

چارسوت

دولت پزشکیان بدترین تورم تاریخ ۸ دهه اخیر را به نام خود ثبت کرد

رکورد تورم ۸۲ سال اخیر با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی



که دولت پزشکیان با حذف ارز ترجیحی توانست این رکورد منفی را هم به نام خود ثبت کند. متأسفانه مسئولان دولت چهاردهم به جای عذرخواهی از ملت بابت اتخاذ سیاستی که سبب شده شدیدترین تورم ۸۲ سال اخیر به جامعه تحمیل شود، مکرراً بر درست بودن این سیاست اصرار می‌کنند چرا که نمی‌خواهند بپذیرند این اقدامشان کاملاً اشتباه بوده است. در حالی که پزشکیان در انتخابات وعده داده که سیاست شوک‌درمانی را اجرا نخواهد کرد اما با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی سخت‌ترین سیاست شوک‌درمانی تاریخ ۸ دهه اخیر ایران را به اجرا درآورد و سنگین‌ترین تورم را هم به ملت تحمیل کرد.

در حالی روز گذشته مسعود پزشکیان مجدداً اقدام دولت در حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی حمایت کرد که این اقدام سبب شد بالاترین تورم کشور در ۸ دهه اخیر رقم بخورد. طبق گزارش مرکز آمار، نرخ تورم سالانه در مناطق شهری در سال ۱۴۰۴ به ۴۹٫۶ درصد رسید که از سال ۱۳۲۲ تاکنون بالاترین تورم در ایران است. از سال ۱۳۲۲ که نرخ تورم سالانه در مناطق شهری ایران به ۱۳۳ درصد رسید، تورم ۴۹٫۶ درصدی سال گذشته در اثر حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی، بالاترین تورم در تاریخ ۸ دهه اخیر ایران محسوب می‌شود. پیش از این بالاترین تورم در ۸ دهه اخیر متعلق به دولت رفسنجانی در سال ۱۳۷۴ با ۴۹٫۳ درصد بود

فاجعه مدیریتی

۸۰ درصد پروژه‌های هلدینگ خلیج فارس در دوره مدیریتی محمد شریعتمداری از برنامه به شدت عقب مانده‌اند

می‌شد اما فقط ۱۵/۵ درصد تکمیل شده است. اتیلین اکساید اندیشک به جای ۸۱/۲ درصد، حدود ۳۱/۲ درصد تکمیل شده است. متیل آمین سنقر به جای ۱۰۰ درصد، ۶۳/۶ درصد، پلی اتیلین دهدشت به جای ۷۲ درصد، حدود ۴۸ درصد تکمیل شده است.

بر اساس اطلاعات صورت مالی هلدینگ خلیج فارس، از مجموع ۱۲ پروژه در دست اجرای این هلدینگ، تا انتهای سال ۱۴۰۴ بیش از ۸۰ درصد از آنها با برنامه اعلامی تکمیل نشده‌اند. بیشترین تاخیر در تکمیل پروژه‌ها مربوط به فاز یک الفین الماس ماهشهر است که باید تا انتهای سال ۱۴۰۴ حدود ۵۸ درصد تکمیل

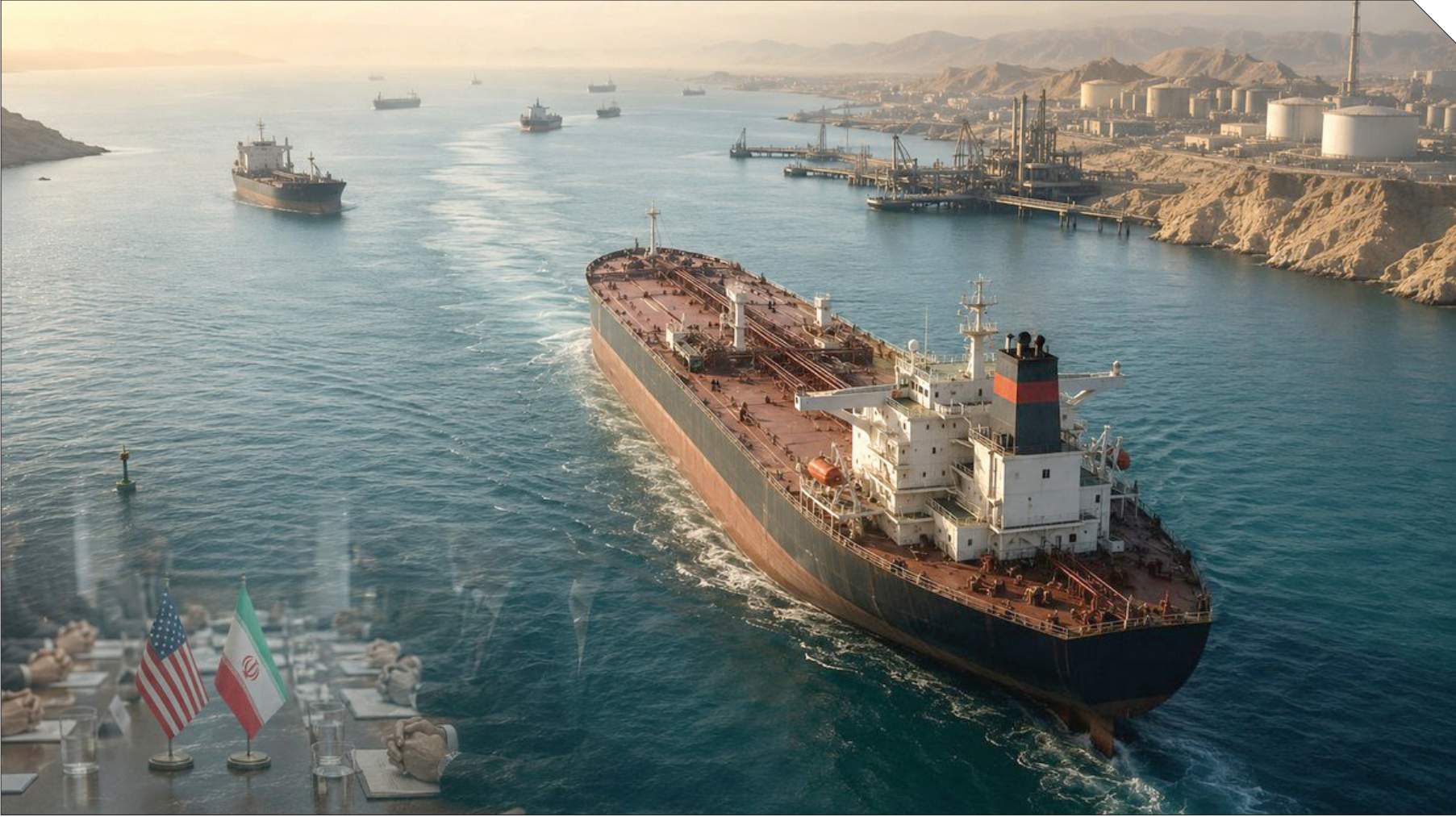
گزارش تفسیری مدیریت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس | دوره ۹ ماهه منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۴۰۴

۴-۵-۱) وضعیت طرح‌های در دست اجرای گروه در تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

جدول ۳۳: طرح‌های در دست اجرا

طرح	طرفیت اسمی (میلیون تن)	پیشرفت فیزیکی (%)		بودجه طرح (میلیارد ریال)
		برنامه	واقعی	
اوره هنگام	۱/۱۵۵	۹۷/۳۰	۹۶/۰۴	۳۷۲
لاستیک استارین بوتادین صدف خلیج فارس	۰/۱۳۶	۹۹/۳۳	۹۹/۳۳	۲۵۷
یالایشگاه گاز هویزه-فاز دوم	۳/۱	۱۰۰	۸۵/۱۳	۱۳۶۰
پلی اتیلین سنگین دهدشت	۰/۳	۷۲/۱۱	۴۸/۰۱	۱۸۵
پلی اتیلین سنگین پلیمر گجساران	۰/۳	۷۴/۵۱	۵۵	۱۴۳
الفین الماس ماهشهر- فاز یک	۲/۱	۵۷/۷۲	۱۵/۵۰	۲,۵۱۴
الفین و HDPE هرمز	۳/۶	۵۵/۹۰	۳۱/۴/۳	۱,۹۳۹
اتیلین اکساید اندیشک	۰/۳۰۸	۸۱/۲۲	۳۱/۲۰	۳۰۵
متیل آمین سنقر	۰/۰۲۲۶	۱۰۰	۶۳/۶۰	۱۴
کریستال ملامین پتروآرمد لردگان	۰/۰۳	۷۵/۵۴	۶۲/۶۴	۳۱
کاستیک پترو پرک	۰/۰۴۵	۳۷/۷۶	۳۳/۶۹	۴
اوره و آمونیاک گلستان	۱/۰۷۳	۰	۰	۵۰۰





امضای توافق کافی نیست؛ تنگه هرمز باید اهرم توسعه ایران باشد

واردکنندگان بزرگ انرژی باشد. چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و دیگر اقتصادهای وابسته به نفت و گاز خلیج فارس، از هرگونه اختلال در تنگه هرمز آسیب مستقیم می‌بینند. این کشورها نمی‌توانند از امنیت انرژی استفاده کنند، اما سهمی در تقویت ثبات اقتصادی و زیرساختی ایران نداشته باشند.

ایران باید به این کشورها پیشنهادهای مشخص سرمایه‌گذاری ارائه کند؛ از توسعه ساحل مکران و زیرساخت‌های بندری تا طرح‌های راه‌آهن، پالایشگاه، پتروشیمی، نیروگاه، ذخیره‌سازی نفت، بیمه کشتیرانی و مسیرهای ترانزیتی. منطق این تعامل روشن است: هر کشوری که خواهان عبور پایدار و کم‌هزینه انرژی

و دولت‌هایی که امنیت انرژی آن‌ها به عبور پایدار از تنگه هرمز وابسته است. اگر ایران این واقعیت را به یک چارچوب اقتصادی و امنیتی تبدیل نکند، بخش مهمی از اهرم ایجادشده در بحران اخیر از دست خواهد رفت. ایران باید از فرصت پس از توافق برای گفت‌وگوهای مستقیم با ذی‌نفعان تنگه هرمز استفاده کند. پیام تهران باید روشن باشد: عبور پایدار، سریع، کم‌ریسک و قابل بیمه از تنگه هرمز، بدون در نظر گرفتن منافع امنیتی و اقتصادی ایران قابل دوام نیست. این پیام به معنای تهدید کشتیرانی یا خروج از چارچوب توافق نیست، بلکه به معنای تبدیل نقش ژئوپلیتیکی ایران به سازوکارهای رسمی، دوجانبه و قابل اجراست.

تضمین امنیت عبور در برابر تهدات امنیتی مقابل در رابطه با کشورهای نفتی خلیج فارس، ایران می‌تواند چارچوبی مبتنی بر تبادل تضمین‌های امنیتی پیشنهاد کند. از یک سو ایران می‌تواند امنیت عبور انرژی از تنگه هرمز را در قالب توافقات رسمی تضمین کند؛ از سوی دیگر، کشورهای مقابل باید متعهد شوند خاک، پایگاه‌ها، بنادر، آسمان و زیرساخت‌های خود را در هیچ سطحی علیه امنیت ایران در اختیار طرف ثالث قرار ندهند. چنین توافقی می‌تواند از سطح امنیتی فراتر رود و به یک بسته اقتصادی تبدیل شود. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری، انرژی، حمل‌ونقل، پتروشیمی، بیمه کشتیرانی و بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده ایران می‌تواند بخشی از این چارچوب باشد. امنیت تنگه هرمز یک کالای رایگان نیست و کشورهایی که از ثبات این مسیر بهره می‌برند، باید در هزینه‌های حفظ این ثبات نیز سهم داشته باشند.

واردکنندگان آسیایی انرژی باید در اقتصاد ایران سهم بگیرند و بخش دوم معاملات ایران باید متوجه

ارزش راهبردی پیدا می‌کند که ایران بتواند از فرصت ایجادشده برای تثبیت موقعیت خود در تنگه هرمز و تعریف سازوکارهای اقتصادی و امنیتی با ذی‌نفعان اصلی این تنگه استفاده کند.

عقب‌نشینی از لفاظی هادر برابر اهرم ایران در هفته‌های گذشته، بخش مهمی از مواضع آمریکا بر این ادعا استوار بود که ایران باید بدون دریافت امتیاز مشخص، مسیر عبور از تنگه هرمز را به حالت عادی بازگرداند و در برابر فشار نظامی و تحریمی عقب‌نشینی کند. اما متن توافق نشان داد واقعیت میدان با این ادعا فاصله دارد. آمریکا ناچار شد توقف جنگ، آغاز روند رفع محاصره، صدور مجوزهای نفتی، بحث درباره آزادسازی منابع ورود به گفت‌وگو درباره آینده ترتیبات تنگه هرمز را بپذیرد. این وضعیت نشان می‌دهد اهرم تنگه هرمز در معادلات اخیر اثرگذار بوده است. ایران نه با اتکا به وعده تحریم، بلکه با حفظ توان بازآرندگی و کنترل یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان توانست آمریکا را به پذیرش بخشی از شروط خود وادار کند. بنابراین پیام اصلی توافق این است که هر زمان ایران اهرم واقعی و قابل استفاده داشته باشد، طرف مقابل ناچار به معامله می‌شود.

رفع تحریم نباید ستون راهبرد ایران باشد یکی از خطاهای احتمالی پس از امضای توافق آن است که سیاست اقتصادی کشور بار دیگر به انتظار برای رفع تحریم گره بخورد. رفع تحریم اگر به صورت واقعی، قابل‌راستی‌آزمایی و پایدار محقق شود، یک فرصت مهم برای اقتصاد ایران است؛ اما نباید ستون اصلی راهبرد کشور باشد. آمریکا نه سابقه قابل‌اتکایی در اجرای بلندمدت تعهدات خود دارد و نه توان ساختار سیاسی آن اجازه می‌دهد رفع واقعی تحریم‌ها بدون فشارهای داخلی، منطقه‌ای و امنیتی پیش برود. از این رو ایران باید توافق را با اصل بی‌اعتمادی راهبردی ایران تعهد کند. هر تعهد ایران باید به اجرای واقعی و قابل سنجش تعهد طرف مقابل گره بخورد. در عین حال، مسیر اصلی کاهش فشار اقتصادی نباید در واشنگتن جست‌وجو شود، بلکه باید از طریق تعامل فعال با کشورهای دنبال شود که منافع مستقیم در ثبات تنگه هرمز، واردات انرژی و توسعه روابط اقتصادی با ایران دارند.

تنگه هرمز فقط موضوع مذاکره با آمریکا نیست تنگه هرمز نباید فقط در میز مذاکره ایران و آمریکا تعریف شود. ذی‌نفعان اصلی این تنگه، مجموعه‌ای گسترده‌تر از بازیگران هستند؛ از صادرکنندگان نفت و گاز در خلیج فارس تا واردکنندگان بزرگ انرژی در شرق آسیا، شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران، پالایشگاه‌ها

گزارش

میرهادی رهگشای

امضای توافق ایران و آمریکا نوانست برای دو طرف مأموریت کوتاه‌مدت مهار بحران و توقف جنگ را تا حدی محقق کند، اما این توافق به معنای پایان منازعه یا رفع قابل‌اتکای تحریم‌ها نیست. متن توافق نشان داد آمریکا برخلاف لفاظی‌های اولیه، ناچار شده بخشی از شروط ایران را بپذیرد؛ اما تجربه گذشته و ساختار سیاسی آمریکا اجازه نمی‌دهد اجرای تعهدات واشنگتن منبای راهبرد اقتصادی ایران قرار گیرد. از این رو ایران باید ضمن پیشبرد محتاطانه توافق، تمرکز اصلی خود را از همین امروز بر تعامل مستقیم با ذی‌نفعان تنگه هرمز بگذارد؛ از کشورهای نفتی خلیج فارس تا واردکنندگان بزرگ انرژی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی. هدف این مسیر باید تبدیل امنیت عبور از هرمز به توافقات دوجانبه امنیتی و اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و کاهش وابستگی راهبرد ایران به اراده آمریکا باشد.

امضای توافق ایران و آمریکا اگرچه یک تحول مهم در مهار بحران اخیر است، اما به‌خودی‌خود نمی‌تواند نشانه پایان منازعه یا آغاز یک دوره ثبات در روابط دو کشور تلقی شود. اهمیت این توافق در آن است که جنگ متوقف شده، مسیر مذاکره برای توافق نهایی باز مانده و آمریکا برخلاف فضای تبلیغاتی هفته‌های گذشته ناچار شده موضوعاتی عملاً اجرایی تعهدات را از مسیر اصلی خارج کرده است. از این منظر، توافق اخیر نیز باید نه به عنوان یک دستاورد قطعی، بلکه به عنوان یک فرصت محدود برای مدیریت بحران و بازآرایی راهبرد ایران ارزیابی شود. این توافق مأموریت کوتاه‌مدت خود را تا حدی انجام داده است. جنگ متوقف شده، فشار فوری بر مسیرهای انرژی کاهش یافته و طرف آمریکایی ناچار شده به جای ادبیات تهدید، وارد چارچوب مذاکره شود. اما این دستاورد زمانی

توافق، پایان بحران نیست؛ آغاز آزمون اجراست مسئله اصلی پس از امضای توافق، نه متن امضا شده، بلکه نحوه اجرای تعهدات است. در بسیاری از توافقات میان ایران و آمریکا، مشکل اصلی در مرحله اجرا بروز کرده است؛ جایی که طرف آمریکایی با تأخیر، تسهیلاتی محدودکننده، فشارهای سیاسی داخلی یا تغییر دولت، عملاً اجرای تعهدات را از مسیر اصلی خارج کرده است. از این منظر، توافق اخیر نیز باید نه به عنوان یک دستاورد قطعی، بلکه به عنوان یک فرصت محدود برای مدیریت بحران و بازآرایی راهبرد ایران ارزیابی شود. این توافق مأموریت کوتاه‌مدت خود را تا حدی انجام داده است. جنگ متوقف شده، فشار فوری بر مسیرهای انرژی کاهش یافته و طرف آمریکایی ناچار شده به جای ادبیات تهدید، وارد چارچوب مذاکره شود. اما این دستاورد زمانی

بانک مرکزی اعتبارات وام اشتغال بانک‌ها را تخصیص دهد

یک نماینده مجلس گفت: بانک مرکزی در کنار ابلاغ سهمیه بانک‌ها از وام اشتغال، اعتبارات لازم را نیز تخصیص دهد.

در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی کشور بارها بر ضرورت حمایت از اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر تأکید کرده‌اند. در میان انواع ابزارهای حمایتی، وام اشتغال جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا برخلاف بسیاری از کمک‌های معیشتی که صرفاً مصرفی هستند، این تسهیلات می‌تواند زمینه ایجاد درآمد پایدار و خروج تدریجی خانوارهای محروم از چرخه فقر را فراهم کند.

تجربه کشورهای مختلف نیز نشان داده است که حمایت‌های مبتنی بر اشتغال‌زایی، اثربخشی بیشتری نسبت به پرداخت‌های نقدی مستقیم دارند. در ایران نیز بخش قابل‌توجهی از مددجویان نیازمندی‌های همچون کمیته امداد و سازمان بهزیستی، برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد، مشاغل خانگی، فعالیت‌های تولیدی کوچک، خدمات فنی و حتی پروژه‌های نوین همچون نیروگاه‌های خورشیدی مقیاس کوچک، به تسهیلات اشتغال‌یابسته هستند. از این رو، هرگونه اختلال در فرآیند پرداخت یا کاهش

معمای نرخ سود بانکی؛ اصلاح فوری یا صبر سیاست‌گذار؟



معمای نرخ سود بانکی؛ اصلاح فوری یا صبر سیاست‌گذار؟

در حالی که بحث بازنگری نرخ سود بانکی دوباره داغ شده، پرسش اصلی این است: آیا اقتصاد ایران اکنون آماده این تغییر است؟ در روزهای اخیر بحث درباره تغییر نرخ سود بانکی دوباره به یکی از موضوعات مهم در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است؛ بحثی که از یک سو با تکذیب ارقام مطرح‌شده از سوی بانک مرکزی همراه شد و از سوی دیگر نشان داد موضوع «بازنگری در ساختار نرخ سود» به‌طور جدی در دستور کار کارشناسی قرار گرفته است. اما پرسش اصلی اینجاست که آیا اقتصاد ایران در مقطع کنونی واقعاً آماده تغییر نرخ سود است یا نه.

نرخ سود بانکی در هر اقتصادی در واقع «قیمت پول» محسوب می‌شود؛ قیمتی که هم رفتار سپرده‌گذاران را شکل می‌دهد، هم بر هزینه تأمین مالی تولید اثر می‌گذارد و هم بر مسیر حرکت نقدینگی در بازارهای دارایی تأثیر می‌گذارد. در اقتصادهایی با تورم بالا، اگر این قیمت به‌درستی تنظیم نشود، منابع مالی به جای آنکه در شبکه بانکی و فعالیت‌های مولد باقی بمانند، به سمت بازارهایی مانند ارز، طلا، مسکن یا دارایی‌های سفته‌بازانه حرکت می‌کنند.

در ایران اما مسئله نرخ سود از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. تورم مزمن بالا، ناترازی شبکه بانکی، کسری بودجه دولت و بی‌ثباتی انتظارات اقتصادی باعث شده است نرخ سود نه فقط یک ابزار سیاست پولی، بلکه بخشی از یک معادله پیچیده اقتصادی باشد. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان معتقدند تغییر شتاب‌زده نرخ سود بدون اصلاحات مکمل، نه تنها مشکل تورم را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای نیز به همراه داشته باشد. در شرایط فعلی، نرخ سود حقیقی در اقتصاد ایران همچنان منفی است؛ یعنی تورم به‌طور محسوسی بالاتر از سودی است که سپرده‌گذاران دریافت می‌کنند. در چنین وضعیتی انگیزه نگهداری پول در بانک‌ها کاهش می‌یابد و بخشی از نقدینگی به سمت بازارهای دارایی حرکت می‌کند. از این منظر، برخی تحلیلگران افزایش نرخ سود را ابزاری برای کاهش جذابیت سفته‌بازی و مهار بخشی از انتظارات تورمی می‌دانند.

با این حال تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که افزایش نرخ سود در اقتصادی با ناترازی بانکی می‌تواند هزینه‌های قابل‌توجهی ایجاد کند. بانک‌هایی که با شفاف‌میان‌داری‌ها و بدهی‌های خود مواجه‌اند، در صورت افزایش نرخ سود ناچار می‌شوند منابع گران‌تری جذب کنند؛ موضوعی که می‌تواند فشار بیشتری بر ترانزاکشن‌ها وارد کند و حتی خطر رشد شدید ناترازی را به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی اگر اصلاحات ساختاری هم‌زمان انجام نشود، افزایش نرخ سود ممکن است به رشد بیشتر خلق اعتبار با افزایش اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی منجر شود؛ اتفاقی که در نهایت اثر ضدتورمی سیاست را تضعیف می‌کند.

از سوی دیگر، نرخ سود مستقیماً بر هزینه تأمین مالی تولید اثر می‌گذارد. در اقتصادی که بسیاری از بنگاه‌ها با محدودیت نقدینگی و دسترسی دشوار به منابع مالی مواجه‌اند، افزایش شدید نرخ تسهیلات می‌تواند سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و فشار رکودی بر بخش واقعی اقتصاد وارد کند. به همین دلیل سیاست‌گذار پولی ناچار است میان مهار تورم و حفظ جریان تأمین مالی تولید توازن برقرار کند. به نظر می‌رسد به همین دلیل است که بانک مرکزی در مواضع اخیر خود به جای تأکید بر «افزایش یا کاهش یکسان نرخ‌ها»، از «بازنگری در ساختار نرخ سود» سخن می‌گوید. این رویکرد در واقع به معنای فاصله گرفتن از سیاست‌های ساده و حرکت به سمت یک چارچوب انعطاف‌پذیرتر است؛ چارچوبی که در آن نرخ‌های مختلف بر اساس سررسید، ریسک اعتباری و نوع فعالیت اقتصادی تنظیم می‌شوند. در چنین چارچوبی یکی از سناریوهای محتمل می‌تواند تقویت جذابیت سپرده‌های بلندمدت باشد. اگر فاصله سود میان سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت افزایش یابد، بخشی از نقدینگی سیال ممکن است برای دوره‌های طولانی‌تر در شبکه بانکی باقی بماند و سرعت گردش پول کاهش یابد. این اقدام می‌تواند بدون افزایش شدید هزینه تسهیلات، تا حدی به مدیریت نقدینگی کمک کند.

سناریوی دیگری می‌تواند حرکت به سمت نرخ‌های مبتنی بر ریسک باشد؛ به این معنا که بخش‌هایی از اقتصاد که بازدهی بالاتری دارند یا پروژه‌های پرریسک‌تری اجرامی‌کنند، با نرخ‌های متفاوتی تأمین مالی شوند. چنین مدلی در بسیاری از اقتصادهای دنیا رایج است و می‌تواند تخصیص منابع را کارآمدتر کند. هرچند اجرای آن نیازمند زیرساخت‌های اعتباری و نظارتی دقیق است. با این حال بسیاری از کارشناسان معتقدند پیش از هرگونه تغییر جدی در نرخ سود، چندپیش‌نیاز مهم باید فراهم شود. نخستین پیش‌نیاز، کنترل کسری بودجه و کاهش وابستگی آن به منابع بانکی است. اگر دولت همچنان برای تأمین مالی خود به شبکه بانکی متکی باشد، هرگونه سیاست پولی در نهایت تحت تأثیر فشارهای مالی قرار خواهد گرفت.

پیش‌نیاز دوم، اصلاح ناترازی ترانزاکشن بانک‌هاست. تا زمانی که برخی بانک‌ها با دارایی‌های کم‌بازده و مطالبات غیرجاری بالا مواجه باشند، افزایش نرخ سود می‌تواند به جای اصلاح رفتار مالی، فشار بیشتری بر آن‌ها وارد کند. سومین پیش‌نیاز، ثبات نسبی در بازار ارز و کاهش ناپایداری‌های کلان اقتصادی است. در اقتصادی که انتظارات تورمی به شدت به نوسانات نرخ ارز وابسته است، حتی نرخ سود بالا نیز ممکن است نتواند جلوی حرکت سرمایه به سمت دارایی‌های جایگزین را بگیرد. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران معتقدند زمان مناسب برای تغییر گسترده نرخ سود زمانی خواهد بود که سیاست‌های مالی و پولی در یک چارچوب هماهنگ قرار گیرند؛ یعنی دولت کسری بودجه را مهار کند. اصلاحات بانکی آغاز شود و بانک مرکزی بتواند با استقلال بیشتری ابزارهای خود را به کار گیرد. در چنین شرایطی نرخ سود می‌تواند به تدریج به یکی از ابزارهای مؤثر مدیریت تورم تبدیل شود. اما اگر این ابزار پیش از آماده شدن بسترهای لازم به کار گرفته شود، احتمال دارد به جای کاهش تورم، تنها شکل توزیع فشارهای اقتصادی را تغییر دهد. اقتصاد ایران اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که سیاست‌گذار پولی ناچار است میان چند هدف هم‌زمان تعادل برقرار کند: مهار تورم، حفظ ثبات شبکه بانکی، تأمین مالی تولید و مدیریت انتظارات بازار. بازنگری در ساختار نرخ سود می‌تواند بخشی از این معادله باشد، اما موفقیت آن بیش از هر چیز به هماهنگی میان سیاست پولی، مالی و ارزی بستگی دارد.

به بیان دیگر، مسئله امروز اقتصاد ایران فقط تعیین یک عدد برای نرخ سود نیست؛ مسئله اصلی طراحی یک چارچوب پایدار برای مدیریت نقدینگی و هدایت منابع مالی به سمت فعالیت‌های مولد است. تا زمانی که این چارچوب شکل نگردد، هر تصمیم درباره نرخ سود ممکن است تنها یک مسکن موقتی باشد، نه راه‌حلی پایدار برای تورم مزمن اقتصاد.

و به شبکه بانکی تخصیص دهد. در همین رابطه با آقای غلامرضا شریعتی، نماینده بهشهر، نکا و گلوگاه در خصوص لزوم تعیین سهمیه و تخصیص اعتبار لازم به بانک‌ها برای پرداخت وام اشتغال به‌ویژه زمینیه‌سازی برای پرداخت به‌موقع وام اشتغال مددجویان به‌گفت‌وگو پرداختیم.

شریعتی با انتقاد از عملکرد بانک مرکزی در زمینه پرداخت تسهیلات اشتغال مددجویان مرتبط با قانون بودجه ۱۴۰۴ گفت: صرف تصویب وام اشتغال در قانون بودجه تضمین‌کننده اشتغال‌زایی و توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه و به‌ویژه مددجویان کمیته امداد و بهزیستی نیست. باید در عمل وام اشتغال به نحوی پرداخت شود که ارزش آن بر اثر تورم از بین نرود و کفاف راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید را بدهد.

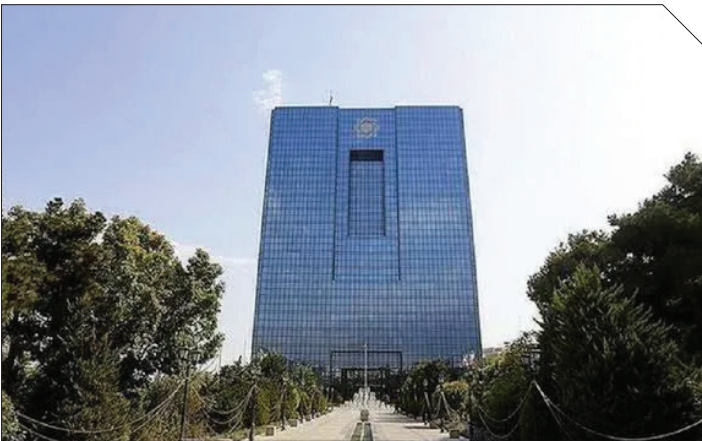
وی ادامه داد: اینکه از شروع سال سه ماه از سال گذشته و هنوز بانک‌ها برای پرداخت وام اشتغال تأمین اعتبار نشده‌اند، قابل قبول نیست. بانک مسیر تسهیلات اشتغال‌زایی را فراهم کند که در این زمینه نیز مجلس از بانک مرکزی پیگیری کرده است تا هر چه سریع‌تر این نهاد، منابع و اعتبارات لازم برای پرداخت وام اشتغال مددجویان را تأمین کند

مركزی به جای تخصيص اعتبارات برای تسهیلات کلان و اضافه برداشت بانک‌های خصوصی، زمینه دسترسی اقشار ضعیف جامعه به منابع بانکی از مسیر تسهیلات اشتغال‌زایی را فراهم کند که در این زمینه نیز مجلس از بانک مرکزی پیگیری کرده است تا هر چه سریع‌تر این نهاد، منابع و اعتبارات لازم برای پرداخت وام اشتغال مددجویان را تأمین کند

اثربخشی این تسهیلات، مستقیماً بر زندگی میلیون‌ها نفر از اقشار ضعیف جامعه اثرگذار خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در حوزه تسهیلات اشتغال، محدودیت منابع تخصیص یافته و عدم همراهی کافی شبکه بانکی در پرداخت این نوع وام‌هاست. بانک‌ها به دلایل مختلف از جمله سودآوری پایین تسهیلات قرض الحسنه، تمایل چندانی به پرداخت گسترده وام‌های اشتغال ندارند. از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز در سال‌های اخیر نتوانسته متناسب با افزایش تعداد متقاضیان و رشد نیازهای اقتصادی جامعه، منابع کافی را در اختیار شبکه بانکی قرار دهد. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری صف‌های طولانی از مددجویانی است که ماه‌ها و گاه بیش از یک سال در انتظار دریافت تسهیلات اشتغال باقی می‌مانند.

این تأخیرها در حالی رخ می‌دهد که بسیاری از طرح‌های اشتغال‌زایی دارای زمان بندی مشخص هستند و طولانی شدن فرآیند دریافت وام، عملاً اجرای طرح را با مشکل مواجه می‌کند. فردی که امروز برای راه‌اندازی یک کارگاه کوچک یا خرید تجهیزات تولیدی درخواست وام می‌دهد، ممکن



است در زمان دریافت تسهیلات با قیمت‌هایی مواجه شود که چندین برابر زمان ثبت درخواست شده‌اند. بنابراین حتی اگر اصل تسهیلات در نهایت پرداخت می‌شود، تأخیر در تخصیص منابع می‌تواند بخش مهمی از کارایی و اثربخشی آن را از بین ببرد. مهم‌ترین اقدام در زمینه حل شدن مشکل تخصیص اعتبارات این است که دولت و بانک



اخبار ۳

یعنی افزایش قیمت محصولات.

این در حالی است که هنوز اطلاعات شفافی درباره میزان کاهش هزینه‌های غیرضروری، اصلاح ساختار مالی، بهره‌وری خطوط تولید، کاهش هزینه‌های سربار یا افزایش بهره‌وری نیروی انسانی منتشر نشده‌است. در چنین شرایطی طبیعی است که هر بار افزایش قیمت با واکنش منفی افکار عمومی همراه شود. اما اکنون این پرسش مطرح است که پس از گذشت ماه‌ها واگذاری مدیریت ایران خودرو، چه میزان از این زان‌ها کاهش یافته است؟ آیا روند رشد زیان متوقف شده؟ آیا شاخص‌های مالی شرکت بهبود یافته‌اند؟ ومهم‌تر از همه، چه بخشی از مشکلات از مسیر اصلاحات مدیریتی حل شده و چه بخشی صرفاً با افزایش قیمت پوشش داده شده است؟

مطالبه‌ای فراتر از افزایش قیمت

شاید مهم‌ترین نکته در شرایط فعلی این باشد که بازار و مصرف‌کنندگان دیگر تنها به دنبال توضیح درباره دلایل افزایش قیمت نیستند. مطالبه اصلی این است که خودروسازان نشان دهند در کنار افزایش قیمت‌ها، چه اصلاحاتی در ساختار شرکت انجام شده، چه میزان از هزینه‌ها کاهش یافته، چه اقداماتی برای ارتقای کیفیت صورت گرفته و برنامه آنها برای کاهش وابستگی به افزایش مداوم قیمت چیست. نکته قابل تأمل اینجاست ایران خودرو طی سال گذشته نیز چندین مرحله افزایش قیمت را در محصولات خود اعمال کرد: افزایش هایی که در مقاطعی حتی با واکنش نهادهای نظارتی همراه شد و پرونده‌هایی نیز در حوزه تعزیراتی و گران‌فروشی برای این خودروساز مطرح شد. با این حال، سرنوشت نهایی برخی از این پرونده‌ها هیچ‌گاه به طور شفاف برای افکار عمومی تشریح نشد و مشخص نشد که آیا تخلفی احراز شده یا خیر و نتیجه رسیدگی‌ها به کجا رسیده است.

همین موضوع امروز یک پرسش جدی را مطرح می‌کند: اگر افزایش قیمت‌ها گذشته با هدف جبران زیان، بهبود وضعیت مالی و اصلاح ساختار شرکت انجام شده بود، چرا تنها چند ماه بعد دوباره بحث افزایش قیمت مطرح می‌شود؟ آیا افزایش‌های قبلی نتوانسته اهداف مورد نظر را محقق کند یا اینکه مشکلات صنعت خودرو عمیق‌تر از آن است که صرفاً با اصلاح قیمت‌ها حل شود؟

منتقدان معتقدند زمانی که یک بنگاه اقتصادی به صورت مستمر از ابزار افزایش قیمت برای جبران مشکلات خود استفاده می‌کند، طبیعی است که مطالبه شفاف‌سازی درباره نتایج این سیاست نیزافزایش یابد. به عبارت دیگر، اگر مصرف‌کننده قرار است هرسال هزینه بیشتری برای خرید خودرو پرداخت کند، انتظار دارد در مقابل شاهد کاهش زیان انباشته، بهبود شاخص‌های مالی، ارتقای کیفیت و افزایش رضایت مشتریان باشد؛ شاخص‌هایی که هنوز درباره تحقق آنها ابهامات جدی وجود دارد. از همین رو، پرسش اصلی دیگر صرفاً چرایی افزایش قیمت نیست؛ بلکه این است که حاصل افزایش قیمت‌های چند سال اخیر برای ایران خودرو چه بوده است؟ آیا زیان‌های انباشته کاهش یافته؟ آیا بهره‌وری افزایش پیدا کرده؟ آیا کیفیت محصولات ارتقا یافته است؟ و اگر پاسخ این پرسش‌ها هنوز روشن نیست، چرا همچنان اولین راهکار، افزایش دوباره قیمت خودروهاست؟



گران‌فروشی؛ بهای خصوصی‌سازی ایران خودرو برای مردم

گزارش

با وجود خصوصی‌سازی، ایران خودرو همچنان قیمت‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما زیان با ابهامات پاراجاست.

خبرگزاری تسنیم در گزارشی عنوان کرد: صنعت خودرو سال‌هاست با یک چرخه تکراری مواجه است؛ افزایش هزینه‌ها، طرح موضوع زیان‌دهی، درخواست اصلاح قیمت و در نهایت افزایش نرخ محصولات. چرخه‌ای که مدیران سابق خودروسازی همواره بخشی از آن را به مدخلات دولتی و قیمت‌گذاری دستوری نسبت می‌دادند و معتقد بودند با واگذاری مدیریت به بخش خصوصی، مسیر متفاوتی در پیش گرفته خواهد شد. منطق این استدلال نیز روشن بود. طرفداران

خصوصی‌سازی می‌گفتند مشکل اصلی خودروسازان نه تولید، بلکه ساختار مدیریتی ناکارآمد، تصمیمات غیراقتصادی، هزینه‌های سربار و محدودیت‌های ناشی از مدیریت دولتی است. بر همین اساس انتظار می‌رفت با ورود بخش خصوصی به ایران خودرو، اصلاحات ساختاری در اولویت قرار گیرد؛ اصلاحاتی که نتیجه‌آن کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت و در نهایت کنترل قیمت تمام‌شده خودرو باشد. اما اتفاقات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد نخستین خروجی ملموس خصوصی‌سازی برای مصرف‌کننده نه کاهش قیمت و نه ارتقای محسوس کیفیت، بلکه افزایش چندباره قیمت خودروها

بوده‌است. براساس فهرست جدید منتشرشده از سوی ایران خودرو، قیمت کارخانه‌ای محصولات این شرکت تنها در فاصله اول خرداد تا ۲۷ خرداد بارشده قابل توجهی همراه شده‌است. در برخی محصولات این افزایش به حدود ۲۵ تا ۴۶ درصد رسیده‌است. برای مثال، سورن پلاس XU7P حدود ۲۷ درصد، پژو ۲۰۷ دستی TU3 بیش از ۳۳ درصد و برخی نسخه‌های پژو ۲۰۷ و سورن نیز بیش از ۴۰ درصد قیمت

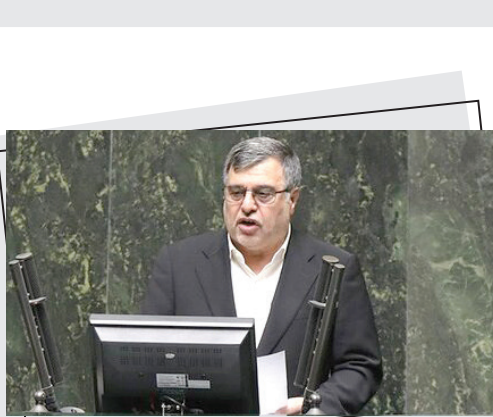
را تجربه کرده‌اند. این ارقام از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد حتی پس از تغییرات مدیریتی، همچنان ساده‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار برای جبران مشکلات مالی، افزایش قیمت محصولات است. موضوعی که این پرسش را به وجود می‌آورد که سهم اصلاحات مدیریتی و بهره‌وری در کاهش هزینه‌ها دقیقاً چه میزان بوده است؟

خصوصی‌سازی؛ هدف یا ابزار؟

در ادبیات اقتصادی، خصوصی‌سازی یک هدف نیست؛ بلکه ابزاری برای افزایش کارایی بنگاه‌هاست. به بیان دیگر، موفقیت خصوصی‌سازی نه با تغییر تابلو مدیران، بلکه با بهبود شاخص‌های عملکردی سنجیده می‌شود.

اگر یک شرکت خصوصی شود اما همچنان با زیان انباشته بالا، هزینه‌های سنگین، بهره‌وری پایین و وابستگی به افزایش مداوم قیمت محصولات مواجه باشد، طبیعی است که درباره میزان موفقیت این فرآیند پرسش‌هایی مطرح شود.

اخبار ۱



بعد از جنگ زمان افزایش قیمت بنزین نیست

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با مخالفت با افزایش قیمت بنزین در شرایط پسا جنگ، تأکید کرد: دولت به جای تحمیل هزینه‌های جدید به مردم باید به دنبال تقویت معیشت خانوارها، بازسازی خسارت‌های جنگ و تحقق کامل منابع بودجه باشد. اکنون زمان «پاداش دادن به مردم برای ایستادگی در جنگ» است، نه افزایش قیمت‌ها.

فریدون همتی در گفت‌وگو با ایلنا، درباره این که امروز با توجه به شرایط کشور، بحث اصلاح بودجه کشور مطرح است و گفته می‌شود نمایندگان مجلس هم به دنبال این اصلاح هستند؛ این اقدام چگونه باید صورت گیرد و اصلاح بودجه با توجه به شرایط پسا جنگ چگونه باید باشد، گفت: بحث اصلاح بودجه هنوز به صورت یک برنامه دقیق و قطعی در مجلس مطرح نیست. برخی از نمایندگان که گاهی در این زمینه اظهاراتی دارند یا از بیرون اظهاراتی مطرح می‌شود، اما هنوز در مجلس مطرح نیست.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی یادآور شد: ابتدا باید این نکته ضروری گفته شود که بودجه سالیانه کشور ما نزدیک به ۹۰ درصدش جاری است؛ جاری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، برای این بودجه جاری اجتناب‌ناپذیر، اگر اصلاحی هم بخواهیم در موردش انجام دهیم، باید تقویتش کنیم. وی خاطرنشان کرد: نکته بعدی این است که کمتر از ۱۳ تا ۱۵ درصد از بودجه عمومی کشور، بودجه تملک دارایی‌هاست؛ پروژه‌هایی که در سطح کشور داریم، مانند آب شرب روستا و شهرها، یا جاده روستا، یا مدرسه، یا خانه بهداشت، یا کانال آب کشاورزی، یا طرح هادی روستاها و از جمله پروژه‌هایی است که با منابع کم استانی در واقع دنبال می‌شود. یک سری هم پروژه‌های ملی هستند؛ پروژه‌های ملی که به هر حال هزاران پیمانکار دارند. این پیمانکاران نیروی کاری زیادی دارند. صنایع بالادست این‌ها هستند که مصالح این‌ها را تأمین می‌کنند. ما اگر بخواهیم به این حدود ۱۳ تا کمتر از ۱۵ درصد عمرانی کشور دست بزنیم، حتماً بخش دیگری از کشور را دچار اختلال می‌کنیم.

اولین تلاش دولت این باشد که همین بودجه تحقق پیدا کند

همتی با بیان این که نگاه در اصلاح بودجه باید آلن به این مسیر باشد که بودجه را تقویت کنیم؛ گفت: باید برویم به سمتی که همین بودجه‌ای که داریم، ۱۰۰ درصد وصول و تحقق پیدا کند. به دلیل جنگ تحمیلی سوم دشمن، روند فروش نفت ما دچار اختلال شد. به تبع این جنگ، مالیات دچار اختلالی شد و بسیاری از بنگه‌هایی که عدد قابل توجهی مالیات می‌دادند، مثل فولاد مبارکه یا پتروشیمی‌ها، این‌ها هم در جنگ آسیب جدی دیدند. به تبع این‌ها، ده‌ها واحد پایین دست آسیب دیدند. بنابراین، وصول مالیاتمان هم آلن در شرایط بسیار پرچالش است. از همین رو، اولین تلاش دولت باید این باشد که همین بودجه‌ای که داشتیم تحقق پیدا کند.

وی تأکید کرد: از طرفی، ما برای بازسازی واحدهایی که در جنگ آسیب دیدند؛ چه مربوط به مردم عادی، چه مربوط به دستگاه‌های دولتی، نیروهای مسلح، بازسازی این آسیب‌ها عدد و رقم قابل توجهی می‌خواهیم. یعنی حداقل باید سالی نزدیک به ۱۰ میلیارد داشته باشیم تا در این حوزه‌ها هزینه کنیم.

حمایت پارانه‌ای دولت خیلی نتوانسته زندگی مردم را در مقابل تورم و فشارها واکنسته کند

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: این که گفته می‌شود بودجه را اصلاح کنیم، باید حواسمان به برخی از مسائل باشد. امروز تورم و گرانی اقلام و کالاهای اساسی و زندگی مردم و معیشت جامعه را از ما می‌دهد. ما با پوشش پارانه‌ها نتوانستیم بخشی از فشار را از دوش مردم کم کنیم که باز در مقابل تورمی که وجود دارد، حمایت پارانه‌ای دولت خیلی نتوانسته شرایط زندگی مردم را در مقابل تورم و فشارها واکنسته کند. وی با اشاره به این که امروز در کشور به منابع جدید نیاز داریم، خاطرنشان کرد: اگر قرار است یک متمم جدید در بودجه بنزین و آن را تقویت کنیم، باید به منابع جدید فکر کنیم؛ هم منابع برای تقویت معیشت مردم، هم برای بازسازی واحدها و تأسیساتی که در جنگ آسیب دیدند. هم پروژه‌هایی که در بودجه سال ۱۴۰۵ هستند، این‌ها پروژه‌هایی هستند که سال‌های سال در قانون بودجه بودند و آلن در مسیر کار هستند. این‌ها هم نیروهای زیادی، از جمله نیروی کارگری دارند، کارفرما دارند، پیمانکار دارند. این‌ها هم یک چرخه عظیمی از اقتصاد کشور هستند. بنابراین، باید این بحث منظم و هوشمندانه جلو برود.

امیدوارم با پایبندی دشمن به تقاضنامه وارد دوره آرامش و سازندگی کشور شویم همتی ادامه داد: این که ما یک بحثی را تحت عنوان اصلاح بودجه مطرح کنیم قابل تأمل است؛ اگر بودجه را بخواهیم کوچک‌تر کنیم و بگوییم قابل تحقق نیست که نمی‌شود. پس بازسازی واحدهایی را که در جنگ خسارت دیدند، چه متعلق به مردم، چه متعلق به نیروهای مسلح، چه متعلق به دولت، چه می‌شود؟ چگونه باید برای بازسازی تأمین مالی کنیم؟ یا این که همین آلن تورم، شرایط حقوق و دریاقتی کارکنان دولت و بازنشسته‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و یک معیشت مردم خیلی کوچک شده‌است، باید حواسمان به این چیزها باشد. وی افزود: ما پروژه‌های عمرانی موجود را داریم و مردم توقع دارند این پروژه‌ها به نتیجه برسند و خدمات نهایی به دست مردم برسد و مردم استفاده کنند. بنابراین، در نگاه به اصلاح بودجه، ابتدا باید بگوییم چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؟ هدف از اصلاح چیست؟ منابع جدیدمان چیست؟ این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: ان‌شاءالله دشمن واقعاً به آنچه امضا کرده پایبند باشد و ما وارد دوره آرامش و سازندگی کشور شویم و دوره پسا جنگ را رقم بزنیم و پیگیری کنیم. حتماً مجلس هم در این مسیر کمک خواهد کرد. وی تأکید کرد: البته مجلس است که در حال حاضر مشغول به کار است، کمیسیون‌ها فعال هستند، با وزارت‌خانه‌ها جلسات خودشان را چه به صورت حضوری و چه علنی دارند، ولی کلیات نمی‌کند و ان‌شاءالله به زودی مادر ساختمان مجلس حضور داشته باشیم و آن موقع روی این بحث‌ها، بحث‌های فنی و تخصصی کار کنیم نه یک سری نظراتی که پشتوانه اجرایی نخواهد داشت. همتی درباره این که چند روز پیش وزیر نفت با مجلس جلسه داشت و برخی از نمایندگان بحث افزایش قیمت بنزین را مطرح کردند، آیا در چنین شرایطی طرح این مباحث عاقلانه است، گفت: در حال حاضر یکی از محل‌های تأمین منابع حمایتی مان از دهک‌های مختلف و دادن پاره‌پاره، مابه‌التفاوت قیمت انرژی از همین محل است. امروز ما این کسری‌هایی که روبه‌رو شدیم، هم بودجه‌مان برای تأمین هزینه‌های جاری دستگاه اجرایی با چالش روبه‌رو است، هم برای پروژه‌های عمرانی مان، هم برای تأمین پاره‌پاره‌هایمان چالش داریم؛ بنابراین یکی از گزینه‌ها این است که اگر مقررأض کنیم در حوزه سوخت بخواهند تصمیمی بگیرند، منابعش هم عیناً برای حمایت از همه دهک‌ها و معیشت مردم برود.

«گروز»، سایپا را گروگان گرفت

با وجود پرداخت ۱۲۷ درصدی به کروز، عرضه قطعات به سایپا ۵۱ درصد کاهش یافت؛ چرا کروز، سایپا را گروگان گرفت؟

خبرگزاری تسنیم نوشت: در محوطه‌های وسیع تولید سایپا، منظره‌ای غیرعادی دیده می‌شود: صف‌های طولانی از خودروهایی که بدون رنگ و موتور دارند، اما در میانه راه متوقف شده‌اند. خودروهای «شاهین»، «اطلس»، «کویک» و «سهند» اکنون نه به عنوان محصولی آماده برای تحویل به مشتری، بلکه به عنوان سرمایه‌های بلوکه شده در انتظار یک قطعه کوچک شناخته می‌شوند. از چراغ‌های اطلس گرفته تا نور لاستیکی در پوشینه کویک، این قطعات کوچک اکنون به ابزاری برای فشار سیاسی و اقتصادی تبدیل شده‌اند. اما در پس این صحنه، جنگی میان اعداد و ارقام در جریان است که در آن، مصرف‌کننده نهایی، بازنده اصلی است.

با نگاهی به داده‌های مالی سال ۱۴۰۴، ما با یک واقعیت عجیب روبرو هستیم که منطق بازار را به چالش می‌کشد. برخلاف تصور عمومی که ممکن است تصور کنند بحران سایپا ناشی از عدم توانایی در پرداخت مطالبات است، آمارها روایت دیگری دارند. در سال ۱۴۰۳، شرکت کروز با روندی پایدار، حدود ۱۸٫۲ میلیون قطعه را به سایپا تحویل داده بود. اما با ورود به سال ۱۴۰۴، این روند با یک سقوط ناگهانی و ۵۱ درصدی مواجه شد؛ به طوری که میزان قطعات ارسالی به تنها ۸٫۸ میلیون قطعه رسید. نکته تکان‌دهنده اینجاست که هم‌زمان با این کاهش شدید عرضه، سایپا تلاش خود را برای حفظ چرخه تولید از طریق تزریق نقدینگی افزایش داده‌است. در حالی که ارزش قطعات دریاقتی کروز در سال جاری به ۱۱٫۵ همت رسیده، مجموع پرداختی‌های سایپا به این شرکت (اعم از نقدی و غیرنقدی مانند واگذاری ملک) به رقم ۱۵٫۸ همت رسیده‌است.

این بدان معناست که شرکت کروز در ۱۴۰۴، معادل ۱۲۷ درصد ارزش قطعات تحویلی خود را دریافت کرده‌است. در واقع، سایپا نه تنها مطالبات ۱۴۰۴ را پوشش داده، بلکه در حال تسویه بخشی از مطالبات سال‌های گذشته است؛ اما با وجود این تزریق نقدینگی و افزایش ۲۳ درصدی پرداخت‌های نقدی نسبت به سال قبل، جریان تأمین قطعات نه تنها بهبود نیافته، بلکه با افت شدید مواجه شده‌است.

ریشه این بحران فعلی را می‌توان در شکست توافقات نیمه‌تمام ۱۴۰۴ جستجو کرد. در آذرماه سال گذشته، با هدف کشودن نلگواکه تولید، توافقی میان دو طرف منعقد شد. بر اساس این توافق، قرار بود سایپا مبلغ ۱۰ همت از مطالبات کروز را در قالب تسهیلات و واگذاری املاک تسویه کند تا در مقابل، کروز تعهد دهد سطح تأمین قطعات را به حالت عادی بازگرداند. با این حال، این توافق تنها در



حدیک وعده باقی ماند؛ کروز در دی‌ماه تنها به ۴۰ درصد از تعهدات خود عمل کرد و در ماه بهمن‌ماه، ارسال قطعات به طور کامل متوقف شد. این توقف، تولید را به بن بست کشاند و انبوهی از خودروهای ناقص را در کارخانه‌ها رها کرد. در حال حاضر هم در جدیدترین خبرها کروز با سایپا به توافقی رسیده که عملیات تکمیل خودروهای ناقص آغاز و تا دو ماه آینده، تمامی خودروهای موجود در پارکینگ‌ها تکمیل و به دست خریداران خواهند رسید.

اما تجربه توافقات قبلی نشان می‌دهد این بار هم خبری از اجرایی شدن این موضوع نیست و داستان خودروهای ناقص همچنان ادامه دارد. البته افزایش بی‌سابقه تعداد خودروهای نیمه‌تمام و موج نارضایتی مشتریانی که منتظر تحویل خودروهای ثبت‌نامی هستند، سرانجام توجه نهادهای نظارتی را جلب کرد. ورود سازمان بازرسی کل کشور به این ماجرا، نشان‌دهنده این است که اختلاف مالی میان دو بنگاه اقتصادی، از مرز تجارت خصوصی فراتر رفته و به یک بحران اجتماعی تبدیل شده‌است.

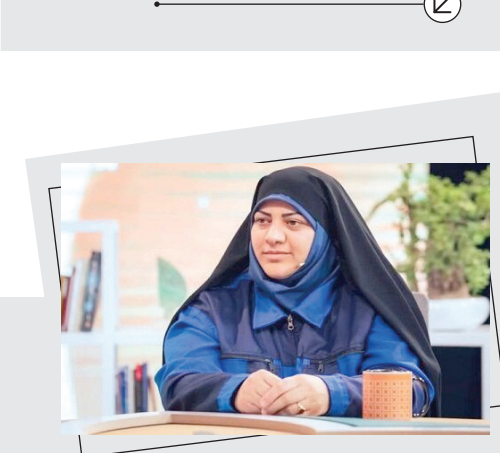
طبق ادعای خبرنگار خبرگزاری تسنیم، ذبیح الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در بازدید از سایپا با لحنی قاطع اعلام کرد که در شرایط فعلی، عدم همکاری قطعه‌سازان برای وصول مطالبات، اقدامی قابل پذیرش نیست. وی با اشاره به احتمال وجود انحصار در تولید برخی قطعات، هشدار داد که دستگاه‌های مسئول اجازه نخواهند داد که اختلال در تأمین قطعات، منجر به آسیب به تولید، بی‌ثباتی بازار خودرو و نقض حقوق مشتریان شود. وی همچنین تأکید کرد که کروز در دی‌ماه تنها به ۴۰ درصد از تعهدات خود عمل کرد و در ماه بهمن‌ماه، ارسال قطعات به طور کامل متوقف شد. این توقف، تولید را به بن بست کشاند و انبوهی از خودروهای ناقص را در کارخانه‌ها رها کرد. در حال حاضر هم در جدیدترین خبرها کروز با سایپا به توافقی رسیده که عملیات تکمیل خودروهای ناقص آغاز و تا دو ماه آینده، تمامی خودروهای موجود در پارکینگ‌ها تکمیل و به دست خریداران خواهند رسید. اما تجربه توافقات قبلی نشان می‌دهد این بار هم خبری از اجرایی شدن این موضوع نیست و داستان خودروهای ناقص همچنان ادامه دارد. البته افزایش بی‌سابقه تعداد خودروهای نیمه‌تمام و موج نارضایتی مشتریانی که منتظر تحویل خودروهای ثبت‌نامی هستند، سرانجام توجه نهادهای نظارتی را جلب کرد. ورود سازمان بازرسی کل کشور به این ماجرا، نشان‌دهنده این است که اختلاف مالی میان دو بنگاه اقتصادی، از مرز تجارت خصوصی فراتر رفته و به یک بحران اجتماعی تبدیل شده‌است.

طبق ادعای خبرنگار خبرگزاری تسنیم، ذبیح الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در بازدید از سایپا با لحنی قاطع اعلام کرد که در شرایط فعلی، عدم همکاری قطعه‌سازان برای وصول مطالبات، اقدامی قابل پذیرش نیست. وی با اشاره به احتمال وجود انحصار در تولید برخی قطعات، هشدار داد که دستگاه‌های مسئول اجازه نخواهند داد که اختلال در تأمین قطعات، منجر به آسیب به تولید، بی‌ثباتی بازار خودرو و نقض حقوق مشتریان شود. وی همچنین تأکید کرد که کروز در دی‌ماه تنها به ۴۰ درصد از تعهدات خود عمل کرد و در ماه بهمن‌ماه، ارسال قطعات به طور کامل متوقف شد. این توقف، تولید را به بن بست کشاند و انبوهی از خودروهای ناقص را در کارخانه‌ها رها کرد. در حال حاضر هم در جدیدترین خبرها کروز با سایپا به توافقی رسیده که عملیات تکمیل خودروهای ناقص آغاز و تا دو ماه آینده، تمامی خودروهای موجود در پارکینگ‌ها تکمیل و به دست خریداران خواهند رسید.

وقتی قراردادهای بیمه، شهادت را «فوت عادی» نمی‌دانند، خانواده‌ها میان قانون و بدهی سرگردان می‌مانند.

در هفته‌های اخیر، برخی خانواده‌های شهدای جنگ تحمیلی سوم با موضوعی مواجه شده‌اند که برای بسیاری از آنها غیرمنتظره و حتی شوک‌آور بوده است: تماس بانک‌های مطالبه اقساط وام‌هایی که پیش از شهادت توسط فرزند یا سرپرست خانواده دریافت شده بود. این در حالی است که این تسهیلات در زمان پرداخت، تحت پوشش بیمه قرار داشته و در ذهن بسیاری از وام‌گیرندگان نیز این تصور وجود دارد که در صورت فوت، بدهی از محل بیمه تسویه خواهد شد. با این حال در تعدادی از پرونده‌ها، پاسخ بانک‌ها و شرکت‌های بیمه متفاوت بوده است. به خانواده‌ها اعلام شده که بیمه تسهیلات لزوماً همه انواع فوت را پوشش نمی‌دهد و در برخی قرارداده‌ها، رخدادهایی مانند جنگ یا عملیات نظامی در زمره شرایط خاص قرار می‌گیرد. به همین دلیل در چنین مواردی ممکن است بیمه تعهدی برای تسویه بدهی نداشته باشد و اقساط همچنان باید از سوی خانواده یا ضمانان پرداخت شود.

برای درک ریشه این مسئله باید به ماهیت «بیمه تسهیلات بانکی» در نظام بانکی و بیمه‌ای کشور نگاه کرد. در بسیاری از بانک‌ها، زمانی که فردی تسهیلات دریافت می‌کند، بیمه‌ای برای پوشش ریسک فوت یا ازکافتادگی او در نظر گرفته می‌شود تا در صورت وقوع حادثه، بدهی یا یکی مانده از محل بیمه تسویه شود و خانواده یا ضمانان با بدهی مواجه نشوند. اما این بیمه در عمل یک محصول مستقل طراحی شده برای نظام بانکی نیست، بلکه در اغلب موارد برپایه ساختار بیمه‌های عمر و زندگی تعریف شده‌است. در بیمه‌های عمر، شرکت بیمه تعهد می‌کند در صورت فوت بیمه‌شده مبلغ مشخصی را پرداخت کند. اما در همین بیمه‌نامه‌ها معمولاً قسمتی از استثنائات نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این استثنائات در بسیاری از قراردادهای بیمه‌ای، شرایط جنگی و عملیات نظامی است. در ادبیات فنی صنعت بیمه، این نوع ریسک‌ها در دسته «ریسک‌های جنگ، گمراهی، کربند و به دلیل ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و گسترده آنها، معمولاً در بیمه‌های پایه پوشش داده نمی‌شوند مگر آنکه پوشش جداگانه‌ای برای آنها تعریف شود. همین مسئله باعث شده‌است که برخی پرونده‌ها، شرکت‌های بیمه شهادت را ذیل پوشش «فوت عادی» قرار ندهند و آن را در چارچوب ریسک‌های جنگی تفسیر کنند. از منظر صرفاً قراردادی، بیمه‌گر ممکن است به همین بندهای استثنا استناد کند و اعلام کند که تعهدی برای پرداخت خسارت ندارد. در چنین شرایطی بانک نیز از نظر حقوقی خود را طلبکار می‌داند و برای وصول مطالبات خود به سراغ ضمانان یا وارثان می‌رود. این حال، بسیاری از کارشناسان حوزه بانک و بیمه معتقدند این تفسیر اگرچه ممکن است در چارچوب متن برخی قراردادها قابل استناد باشد، اما با فلسفه وجودی بیمه تسهیلات بانکی همخوانی ندارد. هدف از این نوع بیمه دقیقاً آن است که در صورت فوت وام‌گیرنده، خانواده‌ا با بدهی مواجه نشوند. وقتی فردی هنگام دریافت وام یک بیمه پرداخت کرده و بانک نیز اخذ بیمه را شرط پرداخت تسهیلات قرار داده است، انتظار طبیعی این است که در زمان وقوع حادثه، سازگار بیمه فعال شود؛ نه اینکه دقیقاً در همان لحظه با قراردادهای استناد شود.



تشکل کارگری نباید بلندگوی دولت باشد

«استغفادام تا صادی کارگران در چرخ‌دنده‌های سیاست‌زدگی زنگ نزنند»؛ این هسته مرکزی روایتی است که سمیه گلپور، رئیس مستغفی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران، در گفت‌وگو با ایلنا ترسیم می‌کند. به گزارش ایلنا، حفظ استقلال تششکل‌های صنفی و پایبندی به اصل سه‌جانبه‌گرایی، از ارکان اساسی در تنظیم روابط کار و صیانت از حقوق نیروی انسانی است. در همین راستا، استغفای «سمیه گلپور» از ریاست کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور، واکنش‌ها و تحلیل‌های متعددی را در میان فعالان کارگری و کارشناسان حوزه روابط کار برانگیخته است.

گلپور که مسئولیت هدایت این تشکل عالی کارگری را بر عهده داشت، با انتشار بیانیهای انتقادی رسماً کناره‌گیری خود را از این سمت اعلام کرد. وی در این بیانیه، چالش‌هایی چون مداخلات ساختاری، به حاشیه رفتن مطالبات صنفی و موانع پیش روی مطالبه‌گری مدنی را به عنوان دلایل اصلی این تصمیم مطرح کرده است. در ادامه سخنان گلپور آمده است:

پشت‌پرده استغفا؛ ایستادگی در برابر روندهای مهندسی‌شده
تصمیم من برای استغفا یک تصمیم لحظه‌ای نبود، بلکه نتیجه بیش از سه سال تلاش برای حفظ استقلال یک تشکل کارگری و ایستادگی در برابر روندهایی بود که تلاش داشتند مسیر کانون عالی را از دفاع از کارگران به سمت تأمین منافع دولتی یا جناحی تغییر دهند. در واقع، استغفا من خروج از یک بازی مهندسی شده بود که قطعاً پیش از ورود به این حوزه، از ابعاد آن بی اطلاع بودم. در این مدت بارها تلاش کردم کانون عالی بتواند نقش واقعی خود را در نظام روابط کار ایفا کند؛ نقشی که بر پایه اصل سه‌جانبه‌گرایی تعریف شده است. اما متأسفانه در عمل شاهد بودیم که این اصل به تدریج به حاشیه‌رانده شد. نمونه روشن آن، موضوع لایحه‌نویین نظام تأمین اجتماعی و بحث واسپاری این سازمان به خزانه دولت بود که بدون کوچک‌ترین توجه به نظرات و دیدگاه‌های تشکل‌های کارگری دنبال شد؛ موضوعی که در قالب نامه وزیر نامه تاریخی و توافق دو وزیر بر سر اموال بین نسلی ضعیف‌ترین اقشار جامعه، هاج و واج وی دفاع رخا کرد.

بحران زیرساختی؛ محوشدن سامانه جامع روابط کار و تصویب حقوق کارگران از سوی دیگر، بحران‌های جدی در مدیریت حوزه روابط کار نیز وجود دارد. یکی از نمونه‌های آن، وضعیت اسفبار سامانه جامع روابط کار است؛ سامانه‌ای که پرورنده‌های میلیون‌ها کارگر و کارفرما در آن ثبت شده است. وقتی چنین نامه تاریخی به گونه‌ای مدیریت می‌شود که حتی نگهداری نسخه‌های پشتیبان آن با مشکل مواجه شده و سوابق و آرای صادره در معرض نابودی قرار می‌گیرد، طبیعی است که حقوق تعداد زیادی از کارگران تصویب شود.

نمونه بارز این فاجعه، پرونده‌های متعدد کارگران بیمه‌انکاری مخابرات است؛ با وجود صدور آرای قطعی به نفع آنان، دسترسی به سوابقشان با مشکلات جدی روبه‌رو شده و آرای که مبالغ میلیاردی را به کارگران بازمی‌گرداند، اکنون به تاریخ بیهوشه است. کارگران دیگر مدردگی برای احقاق حق خود ندارند، چرا که همه چیز در آن سامانه ثبت شده بود؛ سامانه‌ای که در دولت‌های قبل بدون مناقشه و مزایده به بخش خصوصی واگذار شد و در دولت آقای پزشکیان کلاً محو گردید! اکنون نیز هیچ نهادی مسئولیت این حجم از حقوق تصویب شده را بر عهده نگرفته است. ای‌کاش حداقل کمیسیون اصل نود مجلس که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «مردم آن را مرکز امید برای خود می‌دانند که به طرح مسائل خود با آن می‌پردازند» در این مورد خاص، در اسرع وقت اعمال صورت گرفته را بررسی کرده و ضامن بازگشت حقوق کارگران شود.

حذف گواهی صلاحیت ایمنی؛ اولویت مناقصات دولتی بر جان کارگران

از سوی دیگر، مسئله ایمنی کار از نگرانی‌های بنیادین جامعه کارگری است. آمارهای رسمی نشان می‌دهند سالانه هزاران کارگر در حوادث ناشی از کار فوت یا مصدوم می‌شوند. پشت هر کدام از این اعداد، خانواده‌ای قرار دارد که با از دست دادن نان‌آور خود، در ورطه بحران‌های معیشتی و اجتماعی سقوط می‌کند. در چنین شرایطی، هرگونه تضعیف استانداردهای ایمنی در نظام بیمه‌انکاری و مناقصات پیامدهای مریباری دارد. با این حال، در کمال ناباوری شاهد بودیم که در اولین جلسه هیات دولت چهارم، هم با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حذف «گواهی صلاحیت ایمنی کار» از مناقصات دولتی به عنوان مصوبه رفح موانع تولید تصویب شد و این روند همچنان ادامه دارد؛ در حالی که در تمام دنیا شعار «اول ایمنی، بعد کار» حاکم است، با این مصوبه شعار ما به «اول مناقسه بدون گواهی ایمنی، بعد کار» تبدیل شده است.

مجموع این عوامل باعث شده این جمع بندی برسرم که اگر یک تشکل عالی نتواند آژادانه درباره این مصادب سخن بگوید و مطالبه‌گری کند، حضور در آن جایگاه فاقد اثرگذاری خواهد بود و صرفاً به «زینت‌المجالسی» برای جلسات شه‌رازه دولتی، عکس‌های یادگاری و سندی صوری برای رعایت اصل صوری سه‌جانبه‌گرایی تبدیل می‌شود.

مهندسی اراده تشکل‌های کارگری

یکی از چالش‌های جدی در ساختارهای تشکلاتی، شکل‌گیری شبکه‌هایی است که می‌توان آن‌ها را نوعی «پدرخوانده‌محوری» نامید؛ جریان‌هایی که برخی مدیران و کارشناسان بدنه اداری در دولت‌های مختلف پیوند خورده و تلاش می‌کنند اراده و تصمیمات تشکل‌ها را مهندسی کنند. در چنین فضایی، به جای تقویت مطالبه‌گری، با اعطای برخی امتیازات خاص و ایجاد وابستگی، استقلال تشکل‌ها را ذبح می‌کنند تا صادی که باید پژواک مطالبات میلیون‌ها کارگر باشد، خفه شود یا تغییر جهت دهد.

این در حالی است که جایگاه یک تشکل کارگری در سطح ملی، از نظر اثرگذاری اجتماعی اگر بالاتر از یک مقام اجرایی نباشد، قطعاً کمتر نیست. این تشکل‌ها باید شجاعانه و بدون ملاحظه‌کاری‌های مرسوم سیاسی، از حقوق بنیادین نیروی کار دفاع کنند.

نکته قابل تأمل این بود که پس از اعلام رسمی استغفایم، با وجود اینکه برای نخستین بار در تاریخ فعالیت‌های کارگری کشور، یک زن به ریاست بزرگ‌ترین تشکل کارگری رسیده و اکنون کناره‌گیری کرده بود بیش از یک هفته گذشت و حتی یک تماس با پیام ساده از سوی مسئولان برای جویا شدن علت استغفا برقرار نشد! این سکوت مطلق، بیش از آنکه جنبه شخصی داشته باشد، نشان‌دهنده یک شفاف عمیق است میان ساختار تصمیم‌گیر دولتی و دغدغه‌های واقعی تشکل‌های کارگری.

تشکل کارگری نباید به آلبوم عکس‌های یادگاری با مسئولان تبدیل شود؛ بلکه باید نهادی باشد که در برابر تصمیمات مخل معیشت میلیون‌ها کارگر، با صدا بلند، بدون وهمه و البته بر مرام قانون و منطق مطالبه‌گری کند.

گزارش

بنابر گفته کارشناسان، قطع برق بخش کشاورزی

خسارت ۱۰ تا ۷۰ درصدی بر تولید محصولات اساسی وارد می‌کند که با توجه به ضرورت ارتقای امنیت غذایی انتظار می‌رود وعده مسئولان مبنی بر کاهش قطع برق بخش کشاورزی در فصل تابستان محقق شود.
ناترازی انرژی و قطعی‌های مکرر برق، ضربه سنگینی به بخش کشاورزی ایران وارد کرد به طوری‌که

بنابر گفته کارشناسان قطعی برق بخش‌های کشاورزی اثر ۳۰ تا ۷۰ درصدی بر کاهش تولید محصولات اساسی دارد. بر اساس برنامه هفتم پیشرفت سالانه ۷۷ میلیارد مترمکعب

آب به حوزه کشاورزی برای تولید محصولات و تأمین امنیت غذایی باید اختصاص یابد که سال گذشته نزدیک به ۵۰ میلیارد مترمکعب آب به این بخش تحویل داده شد و امسال قرار است

۶۳ تا ۶۲ میلیارد مترمکعب تخصیص داده شود، اما آنچه حائز

اهمیت است مسئولان وزارت نیرو به وعده خود مبنی بر کاهش ساعات قطعی برق بخش کشاورزی در راستای تضمین امنیت غذایی عمل کنند.

اخیراً مجید آجغفی معاون امور زراعت و وزارت جهاد گفت: در برنامه هفتم پیشرفت باید سالانه ۷۷ میلیارد مترمکعب آب به این حوزه برای تولید محصولات و تأمین امنیت غذایی اختصاص یابد که سال گذشته کمتر از این رقم تخصیص یافت.

آجغفی گفت: با توجه به میزان آب تخصیصی از سوی وزارت نیرو، سیاست‌گذاری‌های بخش کشاورزی و اهداف برنامه هفتم پیشرفت در خصوص الگوی کشت هر سال بازبینی و اجرایی شود.

خسارت کاهش ۱۰ درصدی تولید محصولات اساسی در بی قطعی برق‌چاه‌های کشاورزی

امیرهدایتی مدیرکل دفتر امور آب وزارت جهاد کشاورزی گفت



قطع برق بخش کشاورزی خسارت ۱۰ تا ۷۰ درصدی بر تولید محصولات اساسی وارد می‌کند

بر اساس مصوبه اردیبهشت سال ۱۴۰۱ به مدت ۵ ساعت در

روز قطعی برق بخش کشاورزی و صنعت و شهری وجود دارد که متأسفانه بدلیل ناترازی موجود در کشور، قطعی برق برای هر بخش

پیش‌بینی شده است. وی افزود: با توجه به آنکه ۲۲۰ هزار حلقه چاه برقی وجود دارد که با خاموشی منطقه‌ای، کل بخش‌های خدمات و صنایع

نیرو، سیاست‌گذاری‌های بخش کشاورزی و اهداف برنامه هفتم کشاورزی را قطعی روبرو می‌شوند که طی جلسات با وزارت نیرو مقرر شده در خصوص خاموشی‌ها، اطلاع‌رسانی لازم به بهره‌برداران

صورت بگیرد و از طرفی قطعی برق

چاه‌ها در اوج میزان تبخیر دیده شود و مازاد حد امکان خاموشی رخ ندهد.

هدایتی با بیان اینکه پیگیری ارائه تسهیلات و احداث مزارع خورشیدی در حال پیگیری است، افزود: با توسعه این موضوع از طریق قوانین و مقررات موجود امیدواریم بتوانیم کار را تا حدی پیش ببریم تا براین اساس اثر کاهش بخش بخش کشاورزی را کاهش داد.

مدیرکل دفتر امور آب وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به تأثیر قطعی برق بر تولید محصولات اساسی تصریح کرد: برآوردها حاکی از آن است که خسارت وارده به بهره‌برداران بخش کشاورزی بر روی تجهیزات و کیفیت و کمیت محصول تولیدی است، اما به لحاظ هزینه‌ای معادل ۱۰ درصد تولید محصولات کشاورزی خسارت وارد می‌شود.

قطعی برق چاه‌های کشاورزی تولید محصولات اساسی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد

پیمان عالمی رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفت: قطع برق چاه‌های بخش کشاورزی منجر به ناراضیاتی کشاورزان شده است که انتظار می‌رود دولت بتواند در این شرایط دغدغه‌های مسئولان در حوزه وزارت نیرو و وزارت جهاد را برطرف کند. وی با اشاره به مدت قطعی برق بخش کشاورزی بیان کرد: با احتساب قطعی شبکه روزانه ۸ تا ۷ ساعت برق بخش کشاورزی قطع می‌شود.

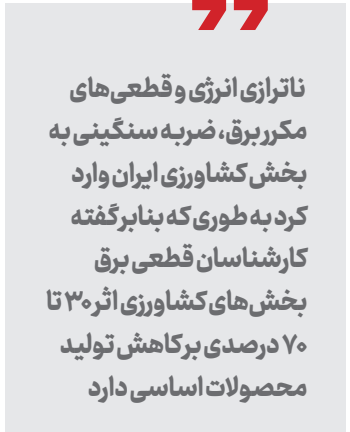
عالمی ادامه داد: با توجه به اهمیت خودکفایی محصولات اساسی و پیگیری‌های مکرر در ارتباط با موضوع خاموشی برق چاه‌ها و ناراضیاتی کشاورزان انتظار می‌رود که این اهمیت برای وزارت نیرو به عنوان متولی امر وجود داشته باشد.

رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفت: قطع برق چاه‌های کشاورزی در وهله نخست به دلیل ارزان بودن تعرفه بخش کشاورزی در اولویت خاموشی قرار بگیرد و از طرفی در بحث خاموشی چاه‌های کشاورزی باید این موضوع را لحاظ کنیم که تأمین امنیت غذایی و سفره مردم اولویت تأمین انرژی باشد و تأمین سفره مردم بر انرژی ارجح است و نکته سوم اینجاست که بر اساس ماده ۲۵ قانون فضای کسب‌وکار خاموشی برق چاه‌های کشاورزی باید در اولویت آخر باشد و همواره خسارت خاموشی باید لحاظ شود چراکه این امر کاهش تولید را ۱۰ تا ۷۰ درصد تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابر گفته فعالان بخش کشاورزی، امسال قطعی

برق چاه‌های بخش کشاورزی نسبت به سال قبل کمی زودتر آغاز شد که این امر با واکنش شدید فعالان بخش کشاورزی

روبرو شد که انتظار می‌رود بنابر وعده‌های مسئولان، محدودیت‌های قطعی برق در فصل تابستان و مواقعی که نیاز گیاه به آب بیشتر است، کاهش یابد تا تولید دچار چالش نشود.



ناترازی انرژی و قطعی‌های

مکرر برق، ضربه سنگینی به

بخش کشاورزی ایران وارد

کرد به طوری که بنابر گفته

کارشناسان قطعی برق

بخش‌های کشاورزی اثر ۳۰ تا

۷۰ درصدی بر کاهش تولید

محصولات اساسی دارد

کاهش نسبت نقدینگی به تولید در اوج تورم؛ متهم اصلی گرانی‌ها کیست؟

نسبت نقدینگی به تولید در ایران کاهش یافته است، اما تورم همچنان بالاست؛ چرا؟

در حالی که وزیر امور اقتصادی و دارایی اخیراً از کسری حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی منابع دولت در پی جنگ خبر داده و هشدار داده است که آثار تورمی این کسری در ماه‌های آینده آشکار خواهد شد، بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر روندی نزولی داشته است؛ موضوعی که بار دیگر بحث درباره ریشه‌های اصلی تورم در اقتصاد ایران را به کانون توجه بازگردانده است.

وزیر اقتصاد در اظهارات اخیر خود با اشاره به تبعات مالی جنگ اعلام کرده است: «به دلیل جنگ، ۱۰۰ همت کسری منابع داشتیم و آثار تورمی آن در چند ماه آینده آشکار خواهد شد.»

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که طی چند دهه گذشته، بخش قابل توجهی از سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بر این فرض استوار بوده که رشد نقدینگی مهم‌ترین عامل تورم است، بر همین اساس، دولت‌های مختلف با گرایش‌های سیاسی متفاوت، کنترل رشد نقدینگی را به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای مهار تورم دنبال کرده‌اند، با این حال، نگاهی به آمارهای رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی نه تنها افزایش

مستمر نداشته، بلکه در سال‌های اخیر با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. بر اساس این آمار، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۹۶ حدود ۷۸٫۸ درصد بوده، در سال ۱۴۰۳ به ۴۲ درصد کاهش یافته است. داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد

این نسبت پس از ثبت سطح ۷۸٫۸ درصدی در سال ۱۳۹۶، به ۷۰٫۱ درصد در سال ۱۳۹۷، ۶۹٫۷۱ درصد در سال ۱۳۹۸ و ۶۵٫۴ درصد در سال ۱۳۹۹ رسید. روند نزولی در سال‌های بعد نیز ادامه یافت و این شاخص در سال ۱۴۰۰ به ۵۶٫۶ درصد، در سال ۱۴۰۱ به ۴۹٫۶ درصد،

در سال ۱۴۰۲ به ۴۴٫۵ درصد و در نهایت در سال ۱۴۰۳ به ۴۲ درصد کاهش پیدا کرد، این در حالی است که اقتصاد ایران در همین دوره با تورم‌های بالا و فضایی سابقه‌موجه بوده است. نرخ تورم سالانه در بسیاری از سال‌های اخیر در محدوده بالای ۳۰ تا ۴۰ درصد قرار داشته و قدرت خرید خانوارها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. برخی اقتصاددانان معتقدند: اگر نقدینگی علت اصلی ومستقیم تورم باشد، کاهش نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی باید به کاهش محسوس نرخ تورم منجر می‌شد؛ اما تجربه سال‌های اخیر چنین نتیجه‌ای را نشان نمی‌دهد. از دیدگاه این گروه؛ بخش مهمی از تورم اقتصاد ایران از سمت هزینه‌های تولید و شوک‌های قیمتی ناشی می‌شود. در این چارچوب، افزایش نرخ ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد قیمت‌ها شناخته می‌شود؛ چرا که بخش قابل توجهی از مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، تجهیزات تولید و حتی انتظارات تورمی تحت تأثیر نرخ ارز قرار دارند. به اعتقاد این تحلیلگران؛ هرگونه افزایش در نرخ ارز رسمی یا نیمه‌ای، به سرعت خود را در هزینه تولید بی‌نگاه‌ها نشان می‌دهد و در ادامه از طریق افزایش قیمت کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود، در نتیجه، تورم بیش از آنکه ناشی از فشار تقاضا و فوور پول در دست مردم باشد، محصول افزایش هزینه‌های تولید و جهش قیمت

نهاده‌هاست. بررسی روند سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد هم‌زمان با جهش‌های ارزی، اقتصاد ایران با پدیده رکود تورمی مواجه شده است؛ وضعیتی که در آن از یک سورشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری تضعیف می‌شود و از سوی دیگر سطح عمومی قیمت‌ها با سرعت افزایش می‌یابد،

در روزهای اخیر، تعداد بالای کشف استخراج غیرقانونی

رمزارز در شهرک‌های صنعتی همه را شوکه کرده است. در یک نمونه عجیب، در یکی از شهرک‌های صنعتی جنوب کشور

نزدیک به ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز کشف و توقیف شد. هادی سفیدپو، مجری نظارت و ساماندهی استخراج

رمزارز برای شرکت توانیر در این خصوص گفت: با اخذ مجوزهای لازم از مراجع قضایی و با همراهی نیروهای انتظامی، عملیات شناسایی و ورود به محل انجام شد که متأسفانه در جریان اجرای حکم، عوامل حاضر با مقاومت، درگیری فیزیکی و حتی تیراندازی به سمت مأموران مواجه شدند. وی افزود: در این عملیات، نزدیک به ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز کشف و توقیف و برای طی مراحل قانونی در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار گرفت، اما بررسی بار مصرفی شهرک صنعتی نشان داد که این کشفیات تنها نیمی از واقعیت موجود بوده است.

مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزارز برای شرکت توانیر خاطر نشان کرد: در حالی که حدود ۴۰ درصد از تجهیزات غیرمجاز شناسایی و جمع‌آوری شد، بار مصرفی شهرک در همان لحظه حضور تیم‌های عملیاتی حدود ۶۰ درصد کاهش یافت که این موضوع نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از دستگاه‌ها پیش از شناساییی خاموش شده و همچنان از دسترس بازرسی‌ها خارج مانده‌اند. سفیدپو با بیان اینکه قاچاقچیان و بهره‌برداران غیرقانونی رمزارز با هوشیار شدن نسبت به عملیات‌های شناسایی، تجهیزات خود را از مدار خارج می‌کنند، تصریح کرد: این مسئله کشف و برخورد با شبکه‌های سازمان یافته استخراج غیرمجاز را با دشواری بیشتری مواجه کرده و ضرورت نظارت مستمر و دقیق‌تر بر فعالیت واحدهای صنعتی را دوچندان ساخته است.

وی با انتقاد از نبود نظارت کافی بر برخی واحدهای صنعتی، تأکید کرد: انتظار می‌رود دستگاه‌های مسئول به ویژه در

حوزه صدور و کنترل پروانه‌های بهره‌برداری، نظارت مؤثرتری بر عملکرد صنایع داشته باشند و اجازه ندهند عده‌ای فرصت‌طلب در پوشش تولید و فعالیت صنعتی، منابع ملی کشور را صرف سودجویی و زیاده‌خواهی خود کنند. این مسئول با تأکید بر اینکه صنعت برق کشور برای تأمین پایدار انرژی و حمایت بیشتر از بخش مولد و صنایع واقعی نیازمند همراهی همه بخش‌های جامعه است، گفت: مقابله با استخراج غیرمجاز رمزارز و جلوگیری از سوءاستفاده از زیرساخت‌های برق، مستلزم همکاری جدی تمامی دستگاه‌های مسئول است تا امکان حمایت مؤثرتر وی افزود: در این عملیات، نزدیک به ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز کشف و توقیف و برای طی مراحل قانونی در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار گرفت، اما بررسی بار مصرفی شهرک صنعتی نشان داد که این کشفیات تنها نیمی از واقعیت موجود بوده است.

مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزارز برای شرکت توانیر خاطر نشان کرد: در حالی که حدود ۴۰ درصد از تجهیزات غیرمجاز شناسایی و جمع‌آوری شد، بار مصرفی شهرک در همان لحظه حضور تیم‌های عملیاتی حدود ۶۰ درصد کاهش یافت که این موضوع نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از دستگاه‌ها پیش از شناساییی خاموش شده و همچنان از دسترس بازرسی‌ها خارج مانده‌اند. سفیدپو با بیان اینکه قاچاقچیان و بهره‌برداران غیرقانونی رمزارز با هوشیار شدن نسبت به عملیات‌های شناسایی، تجهیزات خود را از مدار خارج می‌کنند، تصریح کرد: این مسئله کشف و برخورد با شبکه‌های سازمان یافته استخراج غیرمجاز را با دشواری بیشتری مواجه کرده و ضرورت نظارت مستمر و دقیق‌تر بر فعالیت واحدهای صنعتی را دوچندان ساخته است.

وی با انتقاد از نبود نظارت کافی بر برخی واحدهای صنعتی، تأکید کرد: انتظار می‌رود دستگاه‌های مسئول به ویژه در